

هُوَ الْمُصَوِّر
بهار تصویر زیبایی از کلک صنعت الهی

باز در گلشن دمیده عطر خوشبوی بهار

میرسد هر لحظه بر ما طرفه از کوی بهار

این همه نقش و نگار کلک قدرت را نگر

می برد از هر طرف دل راهمه سوی بهار

تا شامت تازه گردد روبه صحرا کن دمی

مسک افشانی کند بر هر طرف بوی بهار

دشت و باغ و بوستان آذین بندند هر طرف

در قدوم نوعروس ناز و مسرویی بهار

حکمت خالق نگر بر سال و فصل و ماه و روز

و چه زیبا آنکه گیرد رنگی از روی بهار

زشت رویی، زشت خوبی را نشاید آدمی

انس و الفت می نما تو نیز با خوبی بهار

سبز و پیارا بہن بنمودہ است ہر باغ و دشت
سنبلستان زمین بنگر ز کیسوی بہار

ہر کہ او با دید دل بیند باغ و گلستان
دل سپارد از برای یار و بجوی بہار

خالق ہستی شای ہر مرض بنمودہ است
حسکی را چارہ کن با صرف داروی بہار

نغمہ توحید را بشوز مرغ ہر چمن
حیف باشد گر نہاشیم چون پرستوی بہار

آفرینش جملہ در تسبیح حق باشد (عزیز)
ہمنوا باید شدن با ہر سخنگوی بہار

پایان

محمد عزیز (عزیزی) ساعت 16:15 بعد از ظہر - لندن

روز یکشنبہ 29 ماہ حوت سال 1389

برابر : با 20 مارچ سال 2011 میلادی

و مطابق : 22 ربیع الثانی سال 1432 ہجری قمری

hmaazizi@yahoo.co.uk